

بهترین متاع
در آدّه
متن أبی شجاع

تألیف:

أحمد بن حسین بن أحمد إصفهانی

ترجمه، تحقیق، تفریح أهادیث و بیان دلایل:

سید مسلم تفت دار

مدرسه امیریه

جزیره قشم – گیاهدان

کتاب الفرائض والوصایا

وَالْوَارِثُونَ^۱ مِنَ الرِّجَالِ عَشْرَةٌ: الإِبْنُ وَابْنُ الإِبْنِ وَإِنْ سَفَلَ، وَالْأَبُ وَالْجَدُّ^۲ وَإِنْ عَلَا،

و میراث بران از مردان ده کس اند: پسر و پسر پسر و اگر پابین برود؛ و پدر و پدر بزرگ و اگر بالا برود؛

وَالْأَخُ وَابْنُ الْأَخِ^۳ وَإِنْ تَرَخِي، وَالْعَمُّ^۴ وَابْنُ الْعَمِّ وَإِنْ تَبَاعَدَا، وَالزَّوْجُ، وَالْمَوْلَى الْمُعْتَقُ^۵.

و برادر و پسر برادر و اگر به حاشیه برود؛ و عمو و پسر عمو و اگر دور برود؛ و شوهر؛ و آقای آزاد کننده.

وَالْوَارِثَاتُ مِنَ النِّسَاءِ سَبْعٌ: الْبِنْتُ، وَبِنْتُ الإِبْنِ، وَالْأُمُّ، وَالْجَدَّةُ، وَالْأَخْتُ، وَالزَّوْجَةُ، وَالْمَوْلَاةُ الْمُعْتَقَةُ^۶.

و میراث بران از زنان هفت کس اند: دختر؛ و دختر پسر؛ و مادر؛ و مادر بزرگ؛ و خواهر؛ و همسر؛ و خانم آزاد کننده.

۱. در اقناع آمده: اصل در میراث قبل از اجماع، آیات موارث و احادیث است از آن:

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَحِقُّوا الْفَرَائِضَ بِأَهْلِهَا، فَمَا بَقِيَ فَهُوَ لِأَوْلَى رَجُلٍ ذَكَرَ. بخاری ۶۷۳۲

فرائض را به اهلش ملحق کنید. آن چه باقی ماند به نزدیک ترین شخص مذکر تعلق می گیرد.

۲. جد یعنی پدر پدر، اما پدر مادر از ذوی الارحام است.

۳. در اقناع آمده: یعنی پسر برادر شقیق و پدری، اما پسر برادر مادری از ذوی الارحام است.

۴. در اقناع آمده: یعنی عموی شقیق و پدری، اما عموی مادری از ذوی الارحام است.

۵. اگر کسی بنده ای را آزاد کند و بعد از مثلاً یک سال، آن بنده وفات یابد در حالی که میراث بری نداشته باشد در این صورت اگر آقای آزاد کننده در قید حیات باشد مال او را به ارث می برد. اگر در قید حیات نباشد عصبات او ارث می برند.

۶. در کفایه الاخیار آمده: تمامی اشخاص نام برده، به اجماع ارث می برند. همچنین نصوص آتی بر آن، دلالت می دهند.

وَمَنْ لَا يَسْقُطُ بِحَالٍ حَمْسَةً: الزَّوْجَانِ، وَالْأَبْوَانِ، وَوَلَدُ الصُّلْبِ.^۱

و کسانی که به هیچ حالتی ساقط نمی‌شوند، پنج کس‌اند: شوهر و همسر؛ و پدر و مادر؛ و فرزند کمری.

وَمَنْ لَا يَرِثُ بِحَالٍ سَبْعَةً: الْعَبْدُ، وَالْمُدَبِّرُ،^۲ وَأُمُّ الْوَلَدِ،^۳ وَالْمُكَاتَبُ،^۴ وَالْقَاتِلُ.^۵

و کسانی که هرگز ارث نمی‌برند، هفت کس‌اند: بنده؛ و بنده‌ی مدبر؛ و ام‌الولد؛ و بنده‌ی مکاتب؛ و قاتل.

۱. در اقناع، اجماع در این رابطه بیان شده است.

در منهاج و النهایه شرح ابی شجاع آمده: اگر تمام ذکور جمع شدند، تنها سه نفر ارث می‌برند: پدر، پسر و زوج. و اگر تمام اناث جمع شدند، پنج نفر ارث می‌برند: دختر، دخترپسر، مادر، خواهر شقیق و همسر. و اگر تمام ذکور و اناث - که امکان اجتماع ایشان باشد - جمع شدند؛ تنها پنج نفر ارث می‌برند: پدر، مادر، پسر، دختر و یکی از دو زوج.

۲. بنده‌ای که آقايش به او بگوید: اگر از دنیا رفته‌م تو آزادی، به چنین بنده‌ای، مدبر گفته می‌شود یعنی سید، آزادیش را به بعد از حیاتش موکول کرده است. در کتاب عتق در مورد آن خواهد آمد.

۳. اگر آقائی از کنیزش فرزندی را متولد کند آن کنیز ام‌ولد او می‌شود. در کتاب عتق در مورد آن خواهد آمد.

۴. بنده‌ای که با مبلغی مشخص در چندین قسط، خودش را از آقايش خریداری می‌کند. سپس به کار مشغول می‌شود و اقساط خویش را می‌پردازد. در کتاب عتق در مورد آن خواهد آمد.

دلیل این که بنده، مدبر، ام‌ولد و مکاتب ارث نمی‌برند: در حاشیه‌ی نبرای بر اقناع چنین آمده: زیرا بنده اگر ارث ببرد به آقايش می‌رسد و آقايش آن را برمی‌دارد که این آقا از طرف میت شخص بیگانه‌ای محسوب می‌شود.

در کفایه‌الاخیار آمده: افراد یاد شده، همان‌گونه که ارث نمی‌برند از ایشان ارث برده نمی‌شود زیرا بنده، مالک چیزی نیست، دلیل آن، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ﴾ **سوره نحل،**

آیه ۷۵

الله عزوجل، بنده‌ی مملوکی را مثال می‌زند که بر چیزی توانائی ندارد (که انفاق کند).

۵. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَيْسَ لِلْقَاتِلِ شَيْءٌ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَارِثٌ فَوَارِثُهُ أَقْرَبُ

النَّاسِ إِلَيْهِ، وَلَا يَرِثُ الْقَاتِلُ شَيْئًا. **حسن، ابوداود ۴۵۶۴**

برای قاتل چیزی (از دیه‌ی مقتول) نیست. و اگر برای مقتول وارثی (از اهل فروض) نباشد پس وارث او (عصبات یعنی) نزدیک‌ترین مردم به اوست. و هرگز قاتل، چیزی را (از مورث خود) ارث نمی‌برد.

وَالْمُرْتَدُّ،^۱ وَأَهْلُ مِلَّتَيْنِ.^۲

و مرتد و اهل دو دین.

وَأَقْرَبُ الْعَصَبَاتِ: ^۳ الْإِبْنُ،^۴

و نزدیک ترین عصبات: پسر،

۱. در تحفه و مغنی آمده: آن چه ابن الرفعه بیان کرده که: (هرگاه مرتد بعد از مرگ مورث خود مسلمان شد، ارث می برد) سبکی آن را رد کرده و گفته که او خرق اجماع کرده است. و در مغنی آمده که: ابو منصور بغدادی در این رابطه اجماع را بیان کرده است. در النهایه شرح ابی شجاع نیز در این رابطه اجماع بیان شده است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا يَرِثُ الْمُسْلِمُ الْكَافِرَ وَلَا الْكَافِرُ الْمُسْلِمَ. بخاری ۶۷۶۴

هرگز مسلمانی از کافر ارث نمی برد و نه کافر از مسلمان.

۲. در تحفه و مغنی، اجماع در این باره نقل شده است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا يَتَوَارَثُ أَهْلُ مِلَّتَيْنِ شَتَّى. حسن صحیح، ابوداود ۲۹۱۱

اهل دو دین هرگز از همدیگر ارث نمی برند.

۳. عصبه به کسی گفته می شود که سهم مشخصی ندارد و بعد از صاحبان فروض، باقی مانده ی ارث را تصاحب می کند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَحِقُّوا الْفَرَائِضَ بِأَهْلِهَا، فَمَا بَقِيَ فَلِأَوْلَى رَجُلٍ ذَكَرٍ. بخاری

۶۷۳۷

فرائض را به اهلش ملحق کنید. آن چه باقی ماند به نزدیک ترین شخص مذکر تعلق می گیرد.

۴. در کفایه الاخیار آمده: لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ﴾ **سوره نساء، آیه ۱۱**. آیه به اولاد

آغاز نمود و عرب نیز به اولاد خویش آغاز می کند. و الله عزوجل تعصیب پدر را با وجود او ساقط نموده است، الله

عزوجل می فرماید: ﴿وَلَا بَوِيهَ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ﴾ **سوره نساء، آیه ۱۱**

و برای پدر و مادر هر کدام از آن دو، یک ششم است از آن چه میت بجا گذاشت اگر برایش فرزندی باشد.

پس هرگاه تعصیب پدر بوسیله ی پسر ساقط می شود پس غیر او اولی است که با وجود پسر ساقط شوند.

ثُمَّ ابْنُهُ،^۱ ثُمَّ الْأَبُ،^۲ ثُمَّ أَبُوهُ،^۳ ثُمَّ الْأَخُ لِلْأَبِ وَالْأُمِّ،^۴ ثُمَّ ابْنُ الْأَخِ لِلْأَبِ وَالْأُمِّ،^۵ ثُمَّ ابْنُ الْأَخِ لِلْأَبِ،^۶

سپس پسرش، سپس پدر، سپس پدرش، سپس برادر پدری و مادری (برادر شقیق)، سپس برادر پدری، سپس پسر برادر پدری، سپس پدری و مادری، سپس پسر برادر پدری،

ثُمَّ الْعَمُّ عَلَى هَذَا التَّرْتِيبِ،^۷ ثُمَّ ابْنُهُ،^۸ فَإِنْ عُدِمَتِ الْعَصَبَاتُ فَالْمَوْلَى الْمُعْتَقُ.^۸

سپس عمو به همین ترتیب، سپس پسرش. پس اگر عصبات نبودند پس آقا یا خانم آزاد کننده.

۱. در النهایه شرح ابی شجاع آمده: زیرا در سایر احکام به جای پسر جایگزین می‌شود. پس در تعصیب نیز چنین است. و زیرا جهت بُنُوْت بر سایر جهات مقدم است.

۲. در کفایه الاخیار آمده: زیرا بر پسر ولایت دارد پس به خاطر نزدیکی اوست که مقدم شده است. در المهذب آمده: زیرا سایر عصبات به او چسبیده اند.

۳. در النهایه شرح ابی شجاع آمده: جد در درجه‌ی پدر است. زیرا هر دو در رسیدن به میت با همدیگر برابرند. همچنین هر کدام از آنان از طریق پدر بودن به میت می‌رسند.

۴. عَنْ عَائِشَةَ بِنْتِ أَبِي طَالِبٍ قَالَتْ: قَضَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّ أَعْيَانَ بَنِي الْأُمِّ يَتَوَارَثُونَ دُونَ بَنِي الْعَلَاتِ. ابن ماجه ۲۷۳۹. البانی آن را حسن دانسته. ترمذی می‌گوید: علما در شأن حارث اعور، راوی این حدیث، سخن نموده‌اند اما عمل عامه‌ی اهل علم به این حدیث است. ابن کثیر در تفسیرش می‌نویسد: حارث در میراث، حافظ است و به میراث و حساب بسیار توجه داشت.

رسول الله صلی الله علیه وسلم (در مسأله‌ای که برادران پدری و مادری و برادران پدری با هم باشند) قضاوت کرد که برادران پدری و مادری ارث می‌برند به غیر از برادران پدری.

۵. در النهایه شرح ابی شجاع آمده: به برادر قیاس گرفته شده است. زیرا پدران آنان به میت نزدیک‌ترند.

۶. همان‌گونه که از مفهوم روایت ابن ماجه ۲۷۳۹ برداشت می‌شود، جهت پدری و مادری از پدری قوی‌تر است.

۷. در المهذب آمده: برادر بر عمو مقدم شده زیرا او، پسر پدر است اما عمو، پسر جد است.

همان‌گونه که در روایت بخاری ۶۷۳۷ آمده: فَمَا بَقِيَ فَلِأَوْلَى رَجُلٍ ذَكَرَ: پس آنچه باقی ماند به نزدیک‌ترین شخص مذكر تعلق می‌گیرد.

۸. در النهایه شرح ابی شجاع، اجماع در این باره بیان شده است.

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنَّمَا الْوَلَاءُ لِمَنْ أَعْتَقَ. بخاری ۲۱۵۶

ولایت برای کسی است که او را آزاد کرد.

فَصَلِّ: وَالْفُرُوضُ الْمَذْكُورَةُ فِي كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى سِتَّةٌ: ١ النَّصْفُ، ٢ الرَّبْعُ، ٣ وَالثُّمْنُ، ٤ وَالثُّلثَانِ، ٥ وَالثُّلُثُ، ٦ وَالسُّدُسُ.

و فرض‌های بیان شده در کتاب الله متعال شش است: یک دوم، و یک چهارم، و یک هشتم، و دو سوم، و یک سوم، و یک ششم.

فَالنَّصْفُ فَرَضٌ خَمْسَةٌ: الْبِنْتُ، ٧ وَبِنْتُ الْإِبْنِ، ٨ وَالْأُخْتُ مِنَ الْأَبِ وَالْأُمِّ، ٩
 پس نصف، سهم پنج کس است: دختر، و دختر پسر، و خواهر از پدر و مادر (خواهر شقیق)،

١. لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ﴾ **سوره نساء، آیه ١١**

اگر یک دختر بود برای او یک دوم است.

٢. لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ﴾ **سوره نساء، آیه ١٢**

پس اگر برای همسران فرزندی باشد، برای شما یک چهارم است از آن چه آنان از خود بجا می‌گذارند.

٣. لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمْنُ﴾ **سوره نساء، آیه ١٢**

و اگر برای شما فرزندی باشد، برای همسران یک هشتم است.

٤. لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ﴾ **سوره نساء، آیه ١١**

و اگر دختران، بیش‌تر از دو نفر بودند، برای آنان دو سوم آن چه (از ارث) بجا مانده است.

٥. لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ﴾ **سوره نساء، آیه ١١**

اگر برای او فرزندی نباشد و پدر و مادر از او ارث ببرند برای مادر او یک سوم است.

٦. لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ﴾ **سوره نساء، آیه ١١**

اگر برای او برادرانی باشد برای مادر او یک سوم است.

٧. لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ﴾ **سوره نساء، آیه ١١**

و اگر یک دختر بود برای او یک دوم است.

٨. در کفایت الاخیار آمده: یک دختر پسر به هنگام نبودن دختر به اجماع یک دوم می‌برد.

٩. لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿وَلَهُ أُخْتُ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ﴾ **سوره نساء، آیه ١٧٦**

و اگر برای میت، خواهر بود، برای او نصف آن چه میت از خود بجا گذاشته است.

وَالْأُخْتُ مِنَ الْآبِ،^۱ وَالزَّوْجُ إِذَا لَمْ يَكُنْ مَعَهُ وَوَلَدٌ.^۲

و خواهر پدری، و شوهر هرگاه همراه او فرزندی نباشد.

وَالرُّبْعُ فَرَضٌ اثْنَيْنِ: الزَّوْجُ مَعَ الْوَلَدِ^۳ أَوْ وَلَدِ الْإِبْنِ،^۴ وَهُوَ فَرَضُ الزَّوْجَةِ وَالزَّوْجَاتِ مَعَ عَدَمِ الْوَلَدِ^۵ أَوْ وَلَدِ الْإِبْنِ.^۶

و یک چهارم، سهم دو کس است: شوهر همراه فرزند یا فرزند پسر، و آن سهم همسر و همسران همراه نبودن فرزند یا فرزند پسر است.

وَالثُّمْنُ فَرَضٌ الزَّوْجَةِ وَالزَّوْجَاتِ مَعَ الْوَلَدِ^۷ أَوْ وَلَدِ الْإِبْنِ.^۸

و یک هشتم سهم همسر و همسران همراه فرزند یا فرزند پسر است.

۱. لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿وَلَهُ أُخْتُ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ﴾ **سوره نساء، آیه ۱۷۶**

و اگر برای میت، خواهر بود برای او نصف آن چه میت از خود بجا گذاشته است.

۲. لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَوَلَدٌ﴾ **سوره نساء، آیه ۱۲**

و برای شما یک دوم آن چه همسرانتان از خود بجا می‌گذارند اگر برای آنان فرزندی نباشد.

۳. لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَوَلَدٌ فَلَكُمْ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ﴾ **سوره نساء، آیه ۱۲**

پس اگر برای همسرانتان فرزندی باشد برای شما یک چهارم است از آن چه آنان از خود بجا می‌گذارند.

۴. در اقناع، اجماع در این رابطه نقل شده است.

۵. لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿وَلَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَوَلَدٌ﴾ **سوره نساء، آیه ۱۲**

و برای همسرانتان یک چهارم است از آن چه شما از خود بجا می‌گذارید اگر برای شما فرزندی نباشد.

۶. در اقناع، اجماع در این رابطه نقل شده است.

۷. لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَوَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمْنُ﴾ **سوره نساء، آیه ۱۲**

و اگر برای شما فرزندی باشد برای همسرانتان یک هشتم است.

۸. در اقناع، اجماع در این رابطه نقل شده است.

وَالثُّلثَانِ فَرَضَ أَرْبَعَةَ: الْبِنْتَيْنِ،^۱ وَبِنْتِي الْإِبْنِ،^۲ وَالْأُخْتَيْنِ مِنَ الْأَبِ وَالْأُمِّ،^۳ وَالْأُخْتَيْنِ مِنَ الْأَبِ.^۴

و دو سوم، سهم چهار کس است: دو دختر، و دو دختر پسر، و دو خواهر شقیق، و دو خواهر پدری.

۱. لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ﴾ **سوره نساء، آیه ۱۱**

و اگر دختران بیش تر از دو نفر بودند برای آنان دو سوم آن چه (از ارث) بجا مانده است.

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: جَاءَتْ امْرَأَةٌ سَعْدِ بْنِ الرَّبِيعِ بِابْنَتَيْهَا مِنْ سَعْدٍ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، هَاتَانِ ابْنَتَا سَعْدِ بْنِ الرَّبِيعِ، قُتِلَ أَبُوهُمَا مَعَكَ يَوْمَ أُحُدٍ شَهِيدًا، وَإِنَّ عَمَّهُمَا أَخَذَ مَالَهُمَا، فَلَمْ يَدَعْ لَهُمَا مَالًا وَلَا تُنْكَحَانِ إِلَّا وَلَهُمَا مَالٌ، قَالَ: يَقْضِي اللَّهُ فِي ذَلِكَ فَنَزَلَتْ: آيَةُ الْمِيرَاثِ، فَبَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى عَمَّهُمَا، فَقَالَ: أَعْطِ ابْنَتِي سَعْدِ الثُّلُثَيْنِ، وَأَعْطِ أُمَّهُمَا الثُّمْنَ، وَمَا بَقِيَ فَهُوَ لَكَ. **حسن صحيح، ترمذی ۲۰۹۲**

زن سعد بن الربیع با دو دخترش که از سعد داشت به نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و گفت: ای رسول خدا! پدر این دو دختر که در جنگ احد همراه شما بود شهید شد. و عموی این دو، مال میراث آنان را گرفته و برای آنان مالی را رها نکرده است. و کسی با آنان ازدواج نمی کند تا این که مالی داشته باشند. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: خداوند در این رابطه حکم می کند. پس آیه ی میراث نازل شد. رسول الله صلی الله علیه وسلم کسی را بسوی عموی آنان فرستاد و گفت: به دو دختر سعد، دو سوم بده و به مادرشان یک هشتم بده و آن چه باقی ماند برای تو می شود.

۲. ابواسحاق در المهذب، اجماع را در این باره بیان نموده است.

۳ و ۴. لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿فَإِنْ كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلثَانِ مِمَّا تَرَكَ﴾ **سوره نساء، آیه ۱۷۶**

پس اگر دو خواهر بودند برای آن دو، دو سوم است از آن چه (میت) بجا گذاشت.

عَنْ جَابِرٍ، قَالَ: اشْتَكَيْتُ وَعِنْدِي سَبْعُ أَخَوَاتٍ فَدَخَلَ عَلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَفَخَّ فِي وَجْهِ، فَأَفَقْتُ، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَلَا أُوصِي لِأَخَوَاتِي بِالثُّلْثِ؟ قَالَ: «أَحْسِنُ»، =

وَالثُّلُثُ فَرَضُ اثْنَيْنِ: الْأُمُّ إِذَا لَمْ تُحْجَبْ،^۲

و یک سوم، سهم دو کس است: مادر هرگاه حجب نشد،

= قُلْتُ: الشَّطْرُ؟ قَالَ: «أَحْسِنُ» ثُمَّ خَرَجَ وَتَرَكَنِي، فَقَالَ: «يَا جَابِرُ، لَا أُرَاكَ مَيِّتًا مِنْ وَجَعِكَ هَذَا، وَإِنَّ اللَّهَ قَدْ أَنْزَلَ فَبَيِّنَ الَّذِي لِأَخَوَاتِكَ فَجَعَلَ لَهُنَّ الثُّلُثَيْنِ»، قَالَ: فَكَانَ جَابِرٌ يَقُولُ: أَنْزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ فِي: ﴿يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ﴾ [نساء: ۱۷۶]. صحیح، ابوداود ۲۸۸۷

جابر می‌گوید: بیمار شدم در حالی که هفت خواهر داشتم. رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم بر من داخل شد و در صورتم دید پس به هوش آمدم. گفتم: ای رسول خدا! آیا به خواهرانم به یک سوم وصیت نکنم؟ فرمود: نیکویی کن. گفتم: نصف. فرمود: نیکویی کن. سپس خارج شد و مرا رها کرد و فرمود: ای جابر! نمی‌بینم که از این بیماری از دنیا بروی و همانا الله عزوجل قرآن نازل نمود و بیان کرد آن چه برای خواهرانت از میراث است. پس برای آنان دو سوم قرار داد. جابر می‌گفت: این آیه در شأن من نازل شده است: ﴿يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ﴾ [نساء: ۱۷۶].

۱. لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ﴾ [سوره نساء، آیه ۱۱]

اگر برای او فرزندی نباشد و پدر و مادر از او ارث ببرند برای مادر او یک سوم است. و اگر برای او برادران باشد برای مادرش یک ششم است.

عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّهُ دَخَلَ عَلَى عُمَانَ بْنِ عَفَّانَ فَقَالَ: «إِنَّ الْأَخَوَيْنِ لَا يَرُدَّانِ الْأُمَّ عَنِ الثُّلُثِ» قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ﴾ [نساء: ۱۱] «فَالْأَخَوَانِ بِلِسَانِ قَوْمِكَ لَيْسَا بِإِخْوَةٍ» فَقَالَ عُمَانُ بْنُ عَفَّانَ: لَا أَسْتَطِيعُ أَنْ أَرُدَّ مَا كَانَ قَبْلِي وَمَضَى فِي الْأَمْصَارِ تَوَارِثَ بِهِ النَّاسِ. حاکم در مستدرک ۷۹۶۰ آن را صحیح دانسته و ذهبی با او موافقت نموده.

ابن عباس بر عثمان بن عفان داخل شد و گفت: دو برادر، سهم مادر را از یک سوم چرخ نمی‌دهند. زیرا الله عزوجل می‌فرماید: پس اگر برای او، برادران (به صیغه‌ی جمع آمده و کم‌ترین جمع سه نفر است) باشد پس برای مادرش یک ششم است. الْأَخَوَانِ: یعنی دو برادر به زبان قوم تو إِخْوَةٌ: یعنی برادران نیستند. عثمان گفت: نمی‌توانم چیزی را تغییر دهم که قبل از من بر آن قضاوت شده و در شهرها گذشته و مردم نسل به نسل به این قضاوت عمل کرده‌اند (یعنی قبلاً اجماع بر آن بوده که دو برادر، سهم مادر را به یک ششم بازمی‌گردانند و در اجماع نمی‌توانم تغییری ایجاد کنم).

۲. مادر هرگاه حجب نشد، یعنی: همراه او فرزند یا فرزند پسر یا دو یا چند نفر از خواهران و برادران نباشد.

وَهُوَ لِلْإِثْنَيْنِ فَصَاعِدًا مِنَ الْإِخْوَةِ وَالْأَخَوَاتِ مِنْ وَلَدِ الْأُمِّ^۱

و آن برای دو نفر یا بیش تر از برادران و خواهران از فرزندان مادر است.

وَالسُّدُسُ فَرُضٌ سَبْعَةٌ: الْأُمُّ مَعَ الْوَلَدِ^۲ أَوْ وَلَدِ الْإِبْنِ^۳ أَوْ اثْنَيْنِ فَصَاعِدًا مِنَ الْإِخْوَةِ وَالْأَخَوَاتِ^۴، وَهُوَ لِلْجَدَّةِ عِنْدَ عَدَمِ الْأُمِّ^۵

و یک ششم، سهم هفت کس است: مادر همراه فرزند یا فرزند پسر یا دو نفر یا بیش تر از برادران و خواهران. و آن هنگام نبودن مادر، برای مادر بزرگ است.

۱. لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ﴾ **سوره نساء، آیه ۱۷۶**

پس اگر خواهران و برادران مادری از یک نفر بیش تر بودند، آنان در یک سوم شریکند.

۲. لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ﴾ **سوره نساء، آیه ۱۱**

و برای پدر و مادرش برای هر کدام از آن دو، یک ششم است از آن چه (میت) بجا گذاشت اگر برای او فرزندی باشد.

۳. در اقناع در این باره اجماع بیان شده است.

۴. لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ﴾ **سوره نساء، آیه ۱۱**

و اگر برای او برادران باشد برای مادرش یک ششم است.

و همچنین حدیث **مستدرک حاکم ۷۹۶۰** که گذشت.

عَنْ قَبِيصَةَ بِنِ دُوَيْبٍ، قَالَ: جَاءَتِ الْجَدَّةُ إِلَى أَبِي بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَتْ: إِنَّ لِي حَقًّا. إِنَّ ابْنَ ابْنِ أَوْ ابْنَ ابْنَةِ لِي مَاتَ، قَالَ: مَا عَلِمْتُ لَكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ حَقًّا وَلَا سَمِعْتُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِيهِ شَيْئًا وَسَأَلْتُ النَّاسَ، فَسَأَلَهُمْ فَشَهِدَ الْمُغِيرَةُ بْنُ شُعْبَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَعْطَاهَا السُّدُسَ» قَالَ:

مَنْ سَمِعَ ذَلِكَ مَعَكَ؟ فَشَهِدَ مُحَمَّدُ بْنُ مَسْلَمَةَ، فَأَعْطَاهَا أَبُو بَكْرٍ السُّدُسَ. **حاکم در مستدرک**

۷۹۷۸ آن را بر شرط شیخین صحیح دانسته و ذهبی با او موافقت نموده.

بعد از حیات رسول الله صلی الله علیه وسلم، مادر بزرگی به نزد ابوبکر صدیق آمد و گفت: برای من حقی است. پسر پسر من (گفت) پسر دختر من وفات کرده است. ابوبکر صدیق گفت: برای تو در کتاب خداوند حقی را نمی دانم و از رسول الله صلی الله علیه وسلم نیز در این باره چیزی نشنیدم. از مردم (یعنی اصحاب) سوال خواهم گرفت. پس از آنان پرسید. مغیره بن شعبه شهادت داد که رسول الله صلی الله علیه وسلم به مادر بزرگ، یک ششم داده است. ابوبکر صدیق گفت: آیا به همراه تو، کسی آن را شنیده است؟ پس محمد بن مسلمه نیز شهادت داد. (با شهادت محمد بن مسلمه) ابوبکر صدیق به مادر بزرگ یک ششم داد.

وَلِبْنَتِ الْإِبْنِ مَعَ بِنْتِ الصُّلْبِ^۱، وَهُوَ لِلْأُخْتِ مِنَ الْأَبِ مَعَ الْأُخْتِ مِنَ الْأَبِ وَالْأُمِّ^۲،
وَهُوَ فَرَضُ الْأَبِ مَعَ الْوَلَدِ^۳ أَوْ وَلَدِ الْإِبْنِ^۴،

و برای دختر پسر همراه دختر کمری، و آن برای خواهر پدري همراه خواهر پدري و مادري (شقيق)، و آن سهم پدر همراه فرزند يا فرزند پسر است.

۱. عَنْ هُزَيْلِ بْنِ شُرْحَيْلٍ، قَالَ: سُئِلَ أَبُو مُوسَى عَنْ بِنْتِ وَابْنَةِ ابْنٍ وَأُخْتِ، فَقَالَ: لِلْبِنْتِ النَّصْفُ، وَلِلْأُخْتِ النَّصْفُ، وَأْتِ ابْنَ مَسْعُودٍ، فَسَيَتَابِعُنِي، فَسُئِلَ ابْنُ مَسْعُودٍ، وَأُخْبِرَ بِقَوْلِ أَبِي مُوسَى فَقَالَ: لَقَدْ ضَلَلْتُ إِذَا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ، أَقْضِي فِيهَا بِمَا قَضَى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لِلْإِبْنَةِ النَّصْفُ، وَلِابْنَةِ ابْنِ السُّدُسِ تَكْمِلَةَ الثَّلَاثِينَ، وَمَا بَقِيَ فَلِلْأُخْتِ» فَأَتَيْنَا أَبَا مُوسَى فَأَخْبَرَنَا بِقَوْلِ ابْنِ مَسْعُودٍ، فَقَالَ: لَا تَسْأَلُونِي مَا دَامَ هَذَا الْحَبْرُ فِيكُمْ. بخاری

۶۷۳۶

از ابوموسی اشعری از (میراث) دختر و دختر پسر و خواهر پرسیده شد، پس گفت: برای دختر، نصف و برای خواهر، نصف است. و به نزد ابن مسعود برو که (در این رأی) او با من موافقت می کند. پس از ابن مسعود پرسیده شد و از قول ابوموسی به او خبر داده شد. ابن مسعود گفت: (اگر قول ابوموسی بگیرم) بنابراین گمراه شده ام و از هدایت یافتگان نمی باشم. در این (مسأله) به قضاوت رسول الله صلی الله علیه وسلم حکم می کنم. برای دختر، نصف و برای دختر پسر، یک ششم که تکمله ی ثلثین است و آنچه باقی بماند به خواهر تعلق می گیرد. به نزد ابوموسی آمدیم و از قول ابن مسعود او را آگاه ساختیم. ابوموسی گفت: تا زمانی که این عالم نزد شماست از من نپرسید.

۲. به قیاس، زیرا دختر، نصف می برد خواهر شقیق همچنین. و دختر پسر، نصف می برد خواهر پدري همچنین. و اگر دو دختر یا بیش تر بودند، دو سوم می برند خواهر شقیق همچنین. و دو دختر پسر یا بیش تر، دو سوم می برند خواهر پدري همچنین. و اگر دختر پسر همراه دختر بود دختر، نصف و دختر پسر یک ششم، تکمله الثلثین می کنند پس با قیاس بر آنان، به خواهر شقیق، نصف و به خواهر پدري یک ششم داده می شود.

۳. لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿وَلِأَبْوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ﴾ **سوره نساء، آیه ۱۱**

و برای پدر و مادرش برای هر کدام از آن دو، یک ششم است از آنچه (میت) بجا گذاشت اگر برای او فرزندی باشد.

۴. در اقناع در این باره اجماع بیان شده است.

وَفَرَضَ الْجَدَّ عِنْدَ عَدَمِ الْأَبِ،^۱ وَهُوَ فَرَضُ الْوَاحِدِ مِنْ وَلَدِ الْأُمِّ.^۲

و سهم پدر بزرگ هنگام نبودن پدر، و آن سهم یک نفر از فرزند مادری است.

وَتَسْقُطُ الْجَدَّاتُ بِالْأُمِّ^۳ وَالْأَجْدَادُ بِالْأَبِ.^۴

و مادر بزرگ‌ها با (وجود) مادر و پدر بزرگ‌ها با (وجود) پدر، ساقط می‌شوند.

وَيَسْقُطُ وَلَدُ الْأُمِّ مَعَ أَرْبَعَةٍ: الْوَلَدِ، وَوَلَدِ الْإِبْنِ، وَالْأَبِ، وَالْجَدِّ.^۵

و فرزند مادری با (وجود) چهار کس ساقط می‌شود: فرزند، و فرزند پسر، و پدر، و پدر بزرگ.

وَيَسْقُطُ الْأَخُ لِلْأَبِ وَالْأُمِّ مَعَ ثَلَاثَةٍ: الْإِبْنِ، وَابْنِ الْإِبْنِ، وَالْأَبِ.^۶

و برادر شقیق همراه سه کس ساقط می‌شود: پسر، و پسر پسر، و پدر.

وَيَسْقُطُ وَلَدُ الْأَبِ بِهَوْلَاءِ الثَّلَاثَةِ، وَبِالْأَخِ لِلْأَبِ وَالْأُمِّ.^۷

و برادر پدری به این سه (یعنی به پسر، پسر پسر و پدر) و به برادر شقیق ساقط می‌شود.

۱. در کفایه الاخیار در این باره اجماع بیان شده است.

۲. لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ﴾ **سوره نساء، آیه ۱۱**

و برای او (یعنی برای میت) برادر یا خواهر (مادری) باشد برای هر کدام از آن دو (در حالت انفراد)، یک ششم است.

۳ و ۴. در اقناع در این باره اجماع بیان شده است.

۵. در اقناع در این باره اجماع بیان شده است. همچنین آیه‌ی کلاله تفسیر شده به کسی که اصل و فرعی ندارد.

۶. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: **الْحَقُّوا الْفَرَائِضَ بِأَهْلِهَا، فَمَا بَقِيَ فَلِأَوْلَى رَجُلٍ ذَكَرَ.** **بخاری**

۶۷۳۷

فرائض را به اهلش ملحق کنید. آن چه باقی ماند به نزدیک‌ترین شخص مذکر تعلق می‌گیرد. مسلم است که این

اشخاص از برادر شقیق به میت نزدیک‌ترند.

۷. همان‌گونه که در حدیث **بخاری ۶۷۳۷** آمده است، عصباتی که به میت نزدیک‌ترند به ارث اولی هستند. و چون

اشخاص نام برده از برادر پدری به میت نزدیک‌ترند در نتیجه او را ساقط می‌کنند.

همچنین حدیث: **عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ: قَضَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّ أَعْيَانَ بَنِي الْأُمِّ**

يَتَوَارَثُونَ دُونَ بَنِي الْعَلَاتِ. **ابن ماجه ۲۷۳۹.** **آلبانی آن را حسن دانسته.**

رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم (در مسأله‌ای که برادران پدری و مادری و برادران پدری با هم باشند) قضاوت کرد که

برادران پدری و مادری ارث می‌برند به غیر از برادران پدری.

وَأَرْبَعَةٌ يُعَصِّبُونَ أَخَوَاتِهِمْ: ^۱ الْإِبْنُ، ^۲ وَالْأَخُ مِنَ الْأَبِ وَالْأُمُّ، ^۳ وَالْأَخُ مِنَ
الْأَبِ. ^۴

و چهار کس، خواهرانشان را عصبه می‌گردانند: پسر، و پسر پسر، و برادر شقیق، و برادر پدری.

وَأَرْبَعَةٌ يَرِثُونَ دُونَ أَخَوَاتِهِمْ: وَهُمْ الْأَعْمَامُ، وَبَنُو الْأَعْمَامِ، وَبَنُو الْأَخِ، ^۵ وَعَصَبَاتُ
الْمَوْلَى الْمُعْتَقِ. ^۶

و چهار کس به غیر از خواهرانشان ارث می‌برند: و آنان عموها، و پسران عموها، و پسران برادر، و عصبات آقا و خانم
آزاد کننده هستند.

۱. لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ﴾ **سوره نساء، آیه ۱۱**

الله عزوجل در مورد فرزندان شما را سفارش می‌کند. برای فرزندان ذکور دو برابر إناث است.

۲. در کفایه الاخیار آمده: پسر پسر بر پسر قیاس گرفته شده است.

۳ و ۴. لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿وَإِنْ كَانُوا إِخْوَةً رِجَالًا وَنِسَاءً فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ﴾ **سوره نساء، آیه ۱۷۶**

و اگر برادران و خواهران با هم باشند برای مردان دو برابر زنان است.

۵. در کفایه الاخیار آمده: اما عموها و پسرعموها و پسران برادر چون عصبه هستند ارث می‌برند اما خواهرانشان ارث
نمی‌برند زیرا از ذوی الأرحام هستند.

۶. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: **الْوَلَاءُ لِحُمَةِ كَلْحَمَةِ النَّسَبِ، لَا يُبَاعُ، وَلَا يُوهَبُ.** صحیح

لغیره، صحیح ابن حبان ۴۹۵۰

ولاء، قرابت و ارتباطی همانند قرابت و ارتباط نسبی دارد که فروخته نمی‌شود و هدیه داده نمی‌شود. پس عصبات
مولی معتق همانند عصبات نسبی ارث می‌برند.

حل مسائل:

(۱) اگر مخارج «متماثل» بود مانند:

$\frac{1}{6}$ و $\frac{1}{6}$ یا $\frac{1}{2}$ و $\frac{1}{2}$ ، یکی از مخارج را اصل مسأله قرار می‌دهیم. بنابراین در مسأله اول: ۶ و در مسأله دوم: ۲، اصل مسأله می‌شود.

مثال:

۶		
۴	پسر پسر	ع
۱	پدر	$\frac{1}{6}$
۱	مادر	$\frac{1}{6}$

شرح:

پدر $\frac{1}{6}$ سهم می‌برد زیرا فرع وارث مذکر وجود دارد. مادر $\frac{1}{6}$ سهم می‌برد زیرا فرع وارث وجود دارد. پسر پسر عصبه است و از عصبات کسی نیست که او را حجب کند.

(۲) اگر مخارج «متداخل» بود یعنی یکی از مخارج از دیگری بزرگ‌تر بود در حالی که آن مخرج بزرگ‌تر بر کوچک‌تر بخش‌پذیر است، مانند: $\frac{1}{6}$ و $\frac{1}{2}$ ، در اینجا: ۶ بر ۲ بخش‌پذیر است و مانند $\frac{1}{8}$ و $\frac{1}{4}$ و $\frac{1}{2}$ ، در اینجا: ۸ بر ۴ و ۲ بخش‌پذیر است. در «تداخل» مخرج بزرگ‌تر را اصل مسأله قرار می‌دهیم بنابراین در مسأله اول: ۶ و در مسأله دوم: ۸، اصل مسأله می‌شود.

مثال:

۶		
۱	مادر	$\frac{1}{6}$
۳	دختر	$\frac{1}{2}$
۲	برادر شقیق	ع

شرح:

مادر $\frac{1}{6}$ سهم می برد زیرا فرع وارث وجود دارد. دختر $\frac{1}{2}$ سهم می برد زیرا یک نفر است و پسری نیست که او را عصبه بگرداند. برادر شقیق عصبه است و از عصبات کسی نیست که او را حجب کند.

(۳) اگر مخارج «متوافق» بود یعنی تمامی آنها بر یک عدد مشخصی بخش پذیر هستند، مانند: $\frac{1}{6}$ و $\frac{1}{8}$ ، این دو در عدد ۲ با همدیگر متوافق اند یعنی هر دو بر عدد ۲ بخش پذیرند، و مانند $\frac{1}{6}$ و $\frac{1}{9}$ ، این دو در عدد ۳ با همدیگر متوافق اند یعنی هر دو بر عدد ۳ بخش پذیرند بدین معنا که ۶ تقسیم بر ۳ می شود ۲، و ۹ تقسیم بر ۳ می شود ۳. در «توافق» وفق یک مخرج را در کُل مخرج دیگر ضرب می کنیم. بنابراین در مسأله اول: وفق عدد ۶ - که عدد ۳ باشد - را در عدد ۸ ضرب می کنیم، می شود: ۲۴؛ یا وفق عدد ۸ - که عدد ۴ باشد - را در عدد ۶ ضرب می کنیم، می شود: ۲۴.

و در مسأله دوم: وفق عدد ۶ - که عدد ۲ باشد - را در عدد ۹ ضرب می کنیم، می شود: ۱۸؛ یا وفق عدد ۹ - که عدد ۳ باشد - را در عدد ۶ ضرب می کنیم، می شود: ۱۸.

مثال:

۱۲		
۳	شوهر	$\frac{1}{4}$
۷	پسر	ع
۲	پدر	$\frac{1}{6}$

شرح:

شوهر $\frac{1}{4}$ سهم می برد زیرا فرع وارث وجود دارد که پسر باشد. پدر $\frac{1}{6}$ سهم می برد زیرا فرع وارث مذکر وجود دارد. پسر عصبه است.

(۴) اگر مخارج «متباین» بود یعنی متماثل یا متداخل یا متوافق نبود، مانند: $\frac{1}{3}$ و $\frac{1}{4}$ ، و مانند: $\frac{1}{8}$ و $\frac{1}{3}$ مشاهده می کنیم که دو مخرج مثل هم نیستند (یعنی متماثل نیستند) و یکی بر دیگری بخش پذیر نیست (یعنی متداخل نیستند) و بر عدد مشخصی نیز بخش پذیر نیستند (یعنی متوافق نیستند) بنابراین بین این دو «تباین» یعنی تضاد وجود دارد. در «تباین» یک مخرج را در مخرج دیگر ضرب می کنیم. بنابراین در مسأله اول: عدد ۴ را در عدد ۳ ضرب می کنیم، می شود: ۱۲؛ و در مسأله دوم: عدد ۸ را در عدد ۳ ضرب می کنیم، می شود: ۲۴.

مثال:

۶		
۳	شوهر	$\frac{1}{2}$
۲	مادر	$\frac{1}{3}$
۱	برادر شقیق	ع

شرح:

شوهر $\frac{1}{2}$ سهم می برد زیرا فرع وارث وجود ندارد. مادر $\frac{1}{3}$ سهم می برد زیرا فرع وارث و تعدادی از خواهران و برادران وجود ندارد. برادر شقیق عصبه است.